

ناتو، نفست، انقلاب



نویسنده: روزگار عومه ر

پرگرداننده: کیومرث نیک رفتار

برخلاف آنچه در انقلاب های تونس و مصر گذشت، هر چند انقلاب در لیبی با رستاخیز مردمی آغاز شد ولی با بمباران های هوایی هواپیماهای «ناتو» پایان گرفت! ناتو، در جریان انقلاب های مصر و تونس، نتوانست کاری از پیش ببرد جز آنکه بر شورای فرماندهی نظامی مصر، فشار آورد که با سازمان اخوان المسلمین کنار آید و در برابر خواسته های دیگر انقلابیون، تسلیم نشود. این بود که انبوه انقلابیون بار دیگر به «میدان آزادی» برگشتند و گفتند که «انقلاب، به پایان نرسیده است.»

سوریه را که علیه دیکتاتوری بشار اسد بها خاسته اند؛ توطئه چی و مزدور بیگانه خطاب می کنند؟!
دولت عربستان سعودی، با اشاره آمریکا

ناشی از منافع شخصی آنهاست، داد سخن داده اند. برای نمونه، جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان، تظاهرات شیعیان بحرین را «بهار عربی» می نامند؛ در حالی که انقلابیون

در این چند ماه اخیر، هر یک از طرف های درگیر، اعم از کشورهای منطقه، ابر قدرت ها، دولت های مستبد و انقلابیون مخالف آنها، در عمل، با زبانی کاملاً متفاوت که

و خیلی آزادانه تر از آن معاملاتی که یک دولت خودی می تواند از بابت فروش منابع خود عایدش شود. «بهار عربی»، از سوی دولت های غربی، تفسیری کاملاً متفاوت و پراکتیکی دارد. از آن گونه اشک های حماسی که در برابر پیکر سرنگون شده دیکتاتورها، مردم کشورهایشان و بینندگان دنیا که از صفحه تلویزیون می بینند، از چشمشان سرازیر می شود. تفسیر بسیار ساده از آنجا آغاز می شود که پس از سقوط ترابلس، بلافاصله نرخ نفت تنزل می کند. لیبی، دوازدهمین کشور صادرکننده نفت در دنیاست؛ و نخستین کشور افریقانیست از جهت ذخیره نفتی و نهمین در سطح جهانی.

مهمترین ویژگی کشور لیبی از بابت تولید نفت، اینست که: اگر بطور مستمر روزانه ۱۸ میلیون بشکه نفت تولید کند، ذخیره ۲۳ سال را دارد، آن هم تنها از همان چاه های موجود کنونی. اما، مهمتر از همه، این است که در اکثر مناطق نفت خیز لیبی، استخراج و تولید یک بشکه نفت، تنها ۱ (یک) دلار هزینه در بر دارد.

سالیان دراز است که شماری از کمپانی های بزرگ اروپائی و آمریکائی، از قبیل :

*Reposol YPE Of Spain

*BASF Of Germany

*ENI Of Italy

*Conoco Phillips

*Marathon And Hess

به دور از جنجال ها و تبلیغات رسانه ای و گرفتاری های قضائی، سرگرم تولید و صدور نفت به کشورهای اروپائی هستند.

بر اساس دو گزارش، در ۳ ماه آینده، تولید و صدور مجدد نفت در لیبی، از سر گرفته خواهد شد. کمپانی های غربی از هم اکنون، پس از گذشت ۴۸ ساعت، تأکید بر این دارند که حکومت تازه لیبی و شرکت های عامل، هرچه زودتر دست بکار اصلاح مواد قانونی شوند که تولید و فروش نفت را در لیبی به سود آنها تسهیل نماید.

آن سناریونی که سرنگونی حکومت قضائی

اکثر این دولت های دیکتاتور، خود را مُحَق دانستند که کنترل امور اقتصادی و اجتماعی جامعه را خود راساً در دست داشته باشند؛ که این به معنی تعیین میزان فرآورده ها و کنترل بازار و خدمات همگانی مانند آموزش و پرورش و بهداشت عمومی و... بوده است که همه اینها بخش های اساسی شالوده اینگونه دولت ها را تشکیل می داده است.

صرفنظر از اینکه این گونه خدمات، تا چه میزان توقعات مردم را برآورده می کرد، و یا چه میزان می توانست بهتر ارائه شود، و صرفنظر از اینکه کدام حکومت نظامی دیکتاتوری بر سریر قدرت است، بودجه بسیار کالائی در اختیارش قرار می گرفت. حکومت لیبی، از پول فروش نفت، بودجه دولتی را تأمین می کرد و از این راه کنترل امور اجتماعی، بازار و خدمات همگانی را به عهده می گرفت. در دنیای امروز اما، دخالت دولت ها در امور اقتصادی و اجتماعی، بزرگترین دشمن لیبرالیزم نوین به شمار می رود.

اکنون دولت های اروپائی و ناتو، در زمینه های سیاسی - نظامی، خیلی جدیتر از دهه پیش (به حکم فشار بحران ژرف اقتصادی امروز دنیا)، نمایندگی قاطع دارند که با این دولت ها در بیفتند. بویژه اگر کشوری مانند لیبی دارای منابع سرشار طبیعی باشد؛ یا مانند مصر از موقعیت ژئوپولیتیکی حساسی برخوردار باشد.

دولت های اروپائی و آمریکا، می خواهند



دولت های منطقه را آن چنان ترتیب دهند که کاملاً در جهت مصالح و منافع آنها گام بردارند؛ تا غرب بتواند در این معامله اقتصادی، سهم بیشتر را از آن خود کند. یعنی خیلی ارزاتر

و ناتو، برای سرکوب انقلابیون بحرین، نیروی نظامی می فرستد، در یمن هم به علی عبدالله صالح کمک می کند تا تظاهرکنندگان را سرکوب نماید، در همان حال در سوریه اما، به یاری انقلابیون مسلمان سنی مذهب می شتابد تا بلکه در سوریه پس از یشار اسد، حکومتی مسلمان ولی سنی مذهب سرکار آید. دولت های اروپائی و پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز، فریبکارانه همان عبارت «بهار عربی» را بکار می گیرند تا از این راه بتوانند منافع اقتصادی - سیاسی خود را دنبال کنند. دولت های اروپائی و دولت آمریکا، در عمل توانستند چهارچوب انقلاب مردمی لیبی را از «ملت، علیه حکومت» به «آپوزیسیون اسلامی، علیه حکومت» تغییر دهند. برای این کار از پیشرفته ترین تکنولوژی نظامی بهره گرفتند و با بمباران پایگاه های قضائی، سرانجام نیروهای مسلح گوش به فرمان خود را وارد پایتخت لیبی کردند. معمر قضائی، یکی از همان نواده های نظامیان دیکتاتورمآبی است که در نیمه دوم سده بیستم، در بیشتر کشورهای جهان سوم، با کودتای نظامی، به قدرت رسیدند. که بیش از ۴۰ سال بر کرسی دیکتاتوری مطلق، در غیاب هر گونه آزادی و جنب و جوش مردمی، تکیه زده بود. در تمام چهار دهه گذشته، سرنوشت کشور لیبی را توطئه های سیاسی و پروژه های کوتاه بینانه ای که از یک مغز ناتوان سیاسی و پریشیده، فرمان می گرفته، تعیین می کرده است. از



بدبختی تاریخ، یا از بخت بد مردم چنین کشورهایی، که پس از سپری شدن دوران استعمارگری، استقلال یافتند، برپایه اوضاع و احوال آن زمان و دنیای دوقطبی شرق و غرب،

را به دنبال آورد، چنان بود که انقلاب مردمی بهم ریخت و به جای مسیر اصلی، به جنگ بین یک اپوزیسیون گوش به فرمان ناتو، و باقیمانده نیروهای قذافی تبدیل شد، که همین برنامه قرار است در مورد سوریه هم به اجرا در آید.

رستاخیز ملت سوریه و ۲۶۰۰ نفر جانیخته گان راه آزادی، که به دست نیروهای حزب بعث بشار اسد کشته شده اند، دیر یا زود سوریه را به میدان جنگ دیگری با پشتیبانی نیروهای ناتو تبدیل خواهد کرد.

سوریه، روزانه ۱۴۸۰۰۰ بشکه نفت پالایشی و آن را به خارج صادر می کند،

و این به خودی خود

می تواند از نظر

بهره گیری

بیشتر از نفت

کشورهای نفت

خیز همسایه

سوریه نیز، مورد

توجه باشد

و بدین ترتیب

می توان ۳/۴

کل درآمد کشور را

تامین کرد. هر گذشته،

آمریکا و اروپا بر سر راه

بست های اقتصادی علیه سوریه، با هم اختلاف نظر داشتند؛ بویژه در زمینه صنعت نفت. تا جایی که کمپانی نفتی «گلف سند پترولیوم» (Gulf Sand Petroleum) دفتر اصلی خود را از آمریکا به بریتانیا منتقل کرد تا مشمول قانون تحریم های آمریکا قرار نگیرد.

پس از اقدام دولت های اروپائی و آمریکا، در رابطه با برقراری راه بسته ها علیه سوریه، دولت های بزرگ و رقیب های سرسخت آنها، روسیه و چین، در سازمان ملل مانع تصویب قطعنامه تحریم ها علیه سوریه شدند و خود به صورت خریدار نفت از سوریه درآمدند. اما همچنان که در مورد افغانستان و عراق شاهد بودیم، آنها دنبال منافع و مطامع خود هستند.

اگر در سوریه جنگ در بگیرد، آنها چه چیزی گیرشان می آید؟

شرکت های نفتی اروپائی - آمریکائی از قبیل:

*Tanganyika *Gulf Sand Petroleum

*Suncor *Petro Canada

تا امروز همچنان در سوریه به کار و بار عادی خود سرگردند و معلوم نیست چه چشمداشتی از اوضاع آینده دارند. سرنگونی حکومت بعثی سوریه، علاوه بر اینکه به رساندن انرژی فسیلی به بازار جهانی



یاری می رساند و تا حدی در پائین آوردن نرخ فروش نفت موثر واقع خواهد شد، در عین حال مانند یک پروژه عمیقی است که تأمین منافع منطقه ای و جهانی از آن انتظار می رود. آمریکا، اروپا و اسرائیل می کوشند که پل ارتباطی قدرت و نفوذ ایران را که از عراق می گذرد و به سوریه می رسد و به حزب الله لبنان ختم می شود، درهم شکنند. ساقط کردن حکومت بشار اسد، در عمل به معنی سقوط حزب الله و در عین حال انزوای کامل جمهوری اسلامی نیز هست. از دیدگاه عربستان سعودی، سقوط بشار اسد، به معنی آخرین میخی است که بر تابوت ناسیونالیسم عربی زده می شود که هنوز رخساره کم رنگی از سکولاریسم را در سوریه با

خود حمل می کند. در جریان حماسه آفرینی ها و شوق و ذوق بهار عربی یک دگرگونی ژرف تاریخی روی خواهد داد که در ذهن عامه مردم تنها به چهره های شناخته شده و آنهایی که بر صحنه ظاهر می شوند اهمیت داده می شود. معمر قذافی ساقط شد و در آینده نزدیکی بشار اسد هم سرنگون خواهد شد، اما نه به دست اپوزیسیون تظاهر کننده بلکه با دخالت و حمله نیروهای ناتو. دور نیست همان ترکیه ای که ۷۲ ساعت مهلت به سوریه داد، آغازگر دخالت پیمان ناتو باشد که با این کار، مرزهای زمینی سوریه و ترکیه به جبهه جنگ بین نیروهای اپوزیسیون با رنگ آمیزی عربستان سعودی از یک سو و نیروهای اسد از سوی دیگر تبدیل شود که از آن جا به سمت دمشق جبهه جنگ را گسترش دهد.

برای پایان دادن به

استیلائی کولینالیزم

در سده بیست در

کشورهای عربی

چندین انقلاب به وقوع

پیوست که در جریان

آن ها صدها هزار

نفر قربانی شدند. آن

زمان هم مردم این کشورها، سیر و سفری به بهارهای این سده را تجربه کردند. اکنون هم در زیر سایه انقلاب و یاری رسانی های بشر دوستانه به قربانیان بهار عربی، همان نفوذ و همان مطامع استعمارگرانه و کاپیتالیستی نهفته است؛ که عبارتست از دزدی و غارت و چپاول منابع طبیعی از سوی ابر قدرت ها. آنها حتی انقلاب را هم از ملت ها می دزدند و آن را به راهی می کشانند که منافعشان در آنجاست. آنچه روی می دهد تنها یک واکن از بیشمار واکن های محنت بار است که در آینده از گرد راه خواهند رسید.

پایان